

Iranian stories from the perspective of prevention in the field of children

“From theoretical capacity to practical use”

Amin Jafari

Assistant Professor of C Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Ali Molabeigi*

PhD student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Abstract

Introduction: Statement of the problem: since children and teenagers can be the audience of the legislator, they have the possibility of entering the field of criminal law regarding delinquency, and in terms of special physical and emotional conditions; They are exposed to all kinds of injuries, especially physical, sexual and mental. Regardless of the mentioned conditions, some children and teenagers are more exposed to delinquency and victimization due to dangerous situations, and if these conditions are not resolved, they will fall into the trap of delinquency or victimization in the near future. This category is referred to as "children at risk" in the criminal law of children and teenagers, Since children and teenagers can be the audience of the legislator, they have the possibility to enter the field of criminal law regarding delinquency. They are in terms of special physical and emotional conditions; They are exposed to all kinds of victimizations, especially physical, sexual and mental. Regardless of the mentioned conditions, some children and teenagers are more exposed to delinquency and victimization due to dangerous situations, and if these conditions are not resolved, they will fall into the trap of delinquency or victimization in the near future. This category is referred to as "children at risk" in the criminal law of children and teenagers.

* Corresponding Author: Ali_molabeigi@atu.ac.ir

How to Cite: Jafari, A., & Molabeigi, A. (2023). Iranian stories from the perspective of prevention in the field of children"From theoretical capacity to practical use". *Journal of Criminal Law Research*, 11(42), 45-81. doi: 10.22054/jclr.2023.61650.2351.

In the meantime, growth-oriented prevention is one of the sub-branches of social prevention, with a little tolerance and a more general look focused on the types of children mentioned above. This type of prevention, with its intervention, on the one hand, prevents children from delinquency and victimization, and on the other hand, it prevents delinquency from becoming chronic and the continuation of victimization in them. One of these intervention programs, considering the capacity of Iranian stories in the field of growth-oriented prevention, can be "story therapy" or "story-based programs", in order to prevent the formation and continuation of delinquency and victimization of children and adolescents.

In this way, the upcoming article aims to examine the most important stories in the book of ancient Iranian legends, written by Fazlollah Mohtadi "Sobhi", and clarify their capabilities and functions in the field of prevention. Also, following the investigation of the level of attention of Iranian policymakers to this capability in the field of prevention, it will also pay attention.

Method: The approach and method used in this article is based on the "content analysis" method. The meaning of this method in the field of human sciences is to know the relationship between the sentences and to look at the whole text in order to know the main messages hidden in it. In other words, in this method, their hidden and underlying meanings can be understood from the appearance of the words in the writings.

Conclusions and findings: The findings of the present research show the high capacity of Iranian stories to be used in the field of preventing children and teenagers from delinquency and victimization, because children have long been the main audience of legends and stories. By indirectly responding to children's needs and questions and making their imagination fertile, stories are known as the main source of teaching the most important human, moral, social, legal, cultural, etc. points for children and teenagers.

If stories are used correctly, children and teenagers can be taught many tips to prevent delinquency and victimization. In this case, both during childhood and adulthood, stories have a preventive function. Such an issue shows itself in the field of delinquency by focusing on teaching

social values and beliefs, recognizing needs and managing them, and empowering individuals and society through stories.


In the field of victimization, stories can increase general and specific awareness and teach effective skills in their audience, and thus be effective in preventing victimization. Despite such wide capabilities in the field of action, educational actors such as education and the center for intellectual development of children and adolescents and culture-creating actors such as radio and television have neglected this issue and limited the implemented programs, and the only creative approach of some people is showing. Therefore, the lack of proper attention of the policy makers of the Islamic Republic of Iran to this preventive capacity in the field of action in an organized and scientific manner deserves serious criticism.

Keywords: Content Analysis, Crime Prevention and Victimization, Iranian Stories, Functions, Iran's Executive Criminal policy.




قصه‌های ایرانی از منظر پیشگیری در حوزه کودکان؛ از ظرفیت نظری تا استفاده عملی

دانشیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

امین جعفری 

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

علی مولاییگی* 

چکیده

کودکان و نوجوانان از دیرباز مخاطبان اصلی افسانه‌ها و قصه‌ها بوده‌اند. قصه‌ها با پاسخ‌گویی غیرمستقیم به نیازها و پرسش‌های کودکان و بارور ساختن قوه تخیل آن‌ها به عنوان منبع اصلی آموزش مهم‌ترین نکته‌های اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و... برای کودکان شناخته می‌شوند. در صورت استفاده درست از قصه‌ها می‌توان بسیاری از نکات لازم جهت پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیده شدن کودکان را به آن‌ها آموزش داد. در این صورت چه در زمان کودکی و چه در بزرگسالی قصه‌ها کارکردی پیشگیرانه از خود بروز می‌دهند. مقاله پیش‌رو بر آن است تا به بررسی مهم‌ترین قصه‌ها در کتاب «داستان‌های کهن ایرانی» پرداخته تا از این راه به قابلیت‌ها و کارکردهای موجود آن‌ها در عرصه پیشگیری بپردازد. این پژوهش با روش تحلیل محتوا از بک‌سو در صدد یافتن درون‌مایه‌های اصلی قصه‌های ایرانی و بیان میزان قابلیت آن‌ها برای استفاده به عنوان ابزاری برای پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی کودکان می‌باشد و از سوی دیگر به عدم توجه نسبت به این ظرفیت پیشگیرانه در وادی عمل اشاره و آن را مورد نقد قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: تحلیل محتوا، پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی، قصه‌ها و داستان‌های ایرانی، کارکردها، سیاست جنایی اجرایی ایران.

مقدمه

رابطه میان حقوق و ادبیات از جنبه‌های گوناگونی قابل بررسی است^۱. ادبیات اجازه می‌دهد تا حقوق بهتر فهمیده شود و حقوق نیز برای خلق و به تصویر کشیدن و حتی درک بعضی از آثار ادبی اهمیت فراوانی دارد. یک نمایش نامه نویس در مورد نشان دادن جلسه دادگاه اگر به اصول و قواعد حقوقی آشنایی نداشته باشد، نمی‌تواند نمایش صحیح و دقیقی را در این مورد عرضه کند و یا یک نویسنده در نوشتن داستان‌های جنایی، موضوع‌های نادرستی را به قلم خواهد آورد. وانگهی برخی از بهترین و زیباترین آثار ادبی جهان، داستان‌ها و رمان‌هایی هستند که درون مایه حقوقی دارند و حتی موضوع پاره‌ای از شاهکارهای ادبی، جرم است (رستمی و مولایی، ۱۳۹۶: ۲۳۰). بنابراین پیوستگی میان حقوق و ادبیات غیرقابل انکار است، زیرا هر دو آن‌ها دارای جایگاه مهم فرهنگی و اجتماعی هستند و «جنبش حقوق و ادبیات» به دنبال نشان دادن چنین جذابیتی و توجه به پدیده‌های اجتماعی از نظرگاه این دو رشته می‌باشد (Hursh; 2013: 5). برخی نویسندگان در سال ۱۹۰۸ با مطالعه رمان‌های ادبی با موضوع حقوقی، به بررسی مجدد ارتباط میان حقوق به ترتیب زمانی پرداختند و در سال ۱۹۲۵، گروهی دیگر با به کارگیری ابزارهای ادبی، به ایجاد روشی قالب جهت‌بازینی نظریه‌های حقوقی همت گماشتند. این جنبش زمانی بیشتر نمایان شد که در سال ۱۹۷۳، کتاب سفیدپوستان به نام «تصور حقوقی» توسط بوید وایت به چاپ رسید. این اثر شیوه نوینی را در خواندن و درک زبان برای فراگیران آن ارائه کرد (Thompson; 2012: 1-2). ارتباط میان ادبیات با شاخه‌ای جزئی‌تر از حقوق به نام جرم‌شناسی نیز غیرقابل انکار است و این موضوع برای مدت زمان طولانی توسط اندیشمندان نادیده انگاشته شده و آن را بی‌ربط

۱. برخی نویسندگان این جنبه‌ها را به چهار دسته تقسیم می‌کنند. الف. حقوق ادبیات: بیان‌گر شاخه‌ای از حقوق نبوده، بلکه یک رویکرد عرضی است که به مسائل حقوق خصوصی، حقوق کیفری، حقوق عمومی و حقوق اداری می‌پردازد. ب. حقوق به مثابه ادبیات: در این رویکرد از روش‌های نقد ادبی در حقوق بهره گرفته می‌شود. پ. حقوق در ادبیات: این شاخه به دنبال نشان دادن آن است که ادبیات به طور مستقیم در تدوین پرسش‌های اساسی درباره عدالت، قدرت و حقوق صحبت می‌کند. ت. حقوق به واسطه ادبیات: استفاده از ادبیات در دنیای حقوق توسط نماینده مجلس یا یک نویسنده صاحب نظر برای دفاع از هدفی ارزشمند می‌باشد (François OST; 2015: pp 9- 15).

می‌دانستند (Alshiban; 2013: 57). با این حال، جرم‌شناسی و ادبیات یک رویکردی میان رشته‌ای است که مطالعات علوم اجتماعی درباره بزه، بزه‌کاران، حقوق کیفری و عدالت کیفری را با بیان خیالی و هنری انسان‌ها در کلمات نوشتاری مرتبط می‌کند. تفکر این رویکرد آن است که بزه‌ها، متن‌هایی هستند که به طور کلی توسط انسان‌ها ساخته شده و با نویسندگان، مخاطبان و زمینه‌های اجتماعی شایسته همراه‌اند. این به معنای آن است که با مطالعه نوشتگان ادبی، می‌توان بزه‌ها را مورد مطالعه قرار داد و با این کار به درک جدیدی از ریشه‌ها، ساختارها و پیامدهای بزه رسید (ویلسون، پیشگفتار: ج).

با وجود تقسیم‌بندی جرم‌شناسی و ادبیات، توسط برخی از اندیشمندان که مطالعه در این حوزه را محدود به چهار شاخه ذره‌بینی، نظریه‌پردازی، تاریخ‌سازی و مقایسه‌ای نموده‌اند (همان)، می‌توان حوزه‌های دیگری را نیز مورد توجه قرار داد. در این خصوص برای مثال می‌توان گفت که چگونه استفاده از ادبیات در عرصه جرم‌شناسی کاربردی به ویژه جرم‌شناسی انتقادی و پیشگیرانه نقش آفرین است، زیرا ادبیات به ویژه قصه‌ها که موضوع پژوهش حاضر هست، می‌تواند روش مؤثر برای آموزش و اجتماعی ساختن انسان‌ها در طول تاریخ باشد. از این رو است که برخی از پژوهشگران در این باب چنین بیان می‌نمایند: «قدمت تلاش برای پیشگیری از بزه، بی‌تردید طولانی بوده و نشانه‌های آن را می‌توان در جوامع انسانی مختلف مشاهده کرد. در واقع کمتر انسان‌هایی یافت می‌شدند که برای حفظ حیات، تمامیت جسمانی و نیز صیانت از اموال و نزدیکان خود، به پیشگیری متوسل نشده باشند» (جندلی، ۱۴۰۱: ص ۲۹). بنابراین یکی از نمودهای پیشگیری در قصه‌ها خود را نشان داده و ما می‌توانیم از داستان‌ها، نمایش‌نامه‌ها و قصه‌ها در مدارس برای پیشگیری اعم از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی استفاده کنیم. البته آن‌چه مهم می‌نماید، جمعی بودن و مشارکت محوری در این خصوص است، زیرا داستان‌خوانی جمعی می‌تواند کودکان را ترغیب کند تا به شخصیت‌ها شکل داده، درباره رخ دادهای مختلف داستان فکر کنند، به جستجوی راه‌حل پردازند، خود را در موقعیت‌های شخصیت‌ها قرار دهند و در آن موقعیت تصمیم بگیرند. داستان خوب می‌تواند در کودکان انگیزه ایجاد کند، دقت و تمرکز فکری آن‌ها را بالا ببرد و از نتایج آن در زندگی واقعی به ویژه برای جلوگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی آن‌ها استفاده

کنند (مولایی، ۱۳۹۷: ۶۹-۷۰). با وجود چنین قابلیت‌هایی در پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه بیشتر توجه بر ابعاد زیبایی‌شناختی (Shaw; 2014)، علت اهمیت توجه به ادبیات داستانی (Colvin; 2015)، استفاده از ادبیات برای تحلیل نظریه‌های جرم‌شناسی (Wilson; 2014) یا (رستمی و مولایی، ۱۳۹۹) و چیستی جرم‌شناسی ادبی (Arntfield; 2016) توجه شده است و پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه جرم‌شناسی کاربردی اندک (Frigon; 2015) و یا در حوزه کودکان شاهد فقدان آن هستیم. از این رو پژوهش حاضر به دنبال بررسی قصه‌های کهن ایرانی در میزان پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی کودکان است. منبع اصلی مطالعه در این خصوص کتاب «افسانه‌های کهن ایرانی» است (مهتدی صبحی، ۱۳۹۹)، که در آن مؤلف تلاش کرده در طی چندین دهه، افسانه‌های اصیل و منطقه‌ای ایرانی را جمع‌آوری و از زبان گفتاری و فولکلوریک خارج کرده و به رشته تحریر بکشد. مقاله حاضر ابتدا کارکردها و قابلیت‌های قصه‌های ایرانی در حوزه بزه‌کاری^۱ را بررسی کرده (۱) و آن‌گاه در بخش دوم به همین قابلیت‌ها در حوزه بزه‌دیدگی خواهیم پرداخت (۲). هم‌چنین در بخش آخر نیز به میزان استفاده عملی از این ظرفیت در سیاست‌گذاری اجرایی ایران اشاره خواهیم نمود (۳).

۱. کارکردهای داستان‌های ایرانی در حوزه پیشگیری از بزه‌کاری

کودکان بزه‌کار نیازمند حمایت‌های روان‌شناختی ویژه‌ای هستند. برای چنین کودکانی باید فضا و محیط عاطفی را فراهم نمود تا بتوانند در حال حاضر و در آینده راه‌بردهای کنار آمدن با مشکلات و سازگاری با محیط اطراف را به دست آورند. یکی از راه‌کارهای مؤثر در فرایند چنین درمانی می‌تواند قصه‌درمانی یا داستان‌درمانی باشد، زیرا چنین روشی به کودکان و حتی نوجوانان فرصت می‌دهد تا خیالات خود را توسعه دهند و در موقعیت‌های

۱. برای بررسی قصه‌های ایرانی ملاک نویسندگان کتاب افسانه‌های کهن ایرانی نوشته فضل‌الله مهتدی «صبحی» است، زیرا صبحی علاوه بر آن‌که خود به نگارش قصه برای کودکان می‌پرداخت، از یک‌سو زندگی خود را وقف جمع‌آوری داستان‌ها و قصه‌های موجود ایرانی نمود و از سوی دیگر بسیاری او را پایه‌گذار سنت قصه‌گویی برای کودکان در رادیوهای ایران به سال ۱۳۱۹ دانسته‌اند (قایی‌ن و محمدی، ۱۳۹۷: ۲۹۰).

متضاد آن را بررسی نمایند (بهمنی و برزگر، ۱۳۹۶: ۲۰۸). قصه درمانی برای اولین بار در دهه ۱۹۷۰ - ۱۹۸۰، توسط میشل وایت و همکارانش مورد استفاده قرار گرفت. پژوهش‌های مختلف از جمله پژوهش‌های والمن (۲۰۰۰) بر اثر بخشی رویکردهای قصه درمانی در درمان کودکان مبتلا به اختلال‌های روان‌شناختی تأکید کردند (برای دیدن نمونه‌های بیشتر رج. به: Perrow; 2008 and 2012). اما، استفاده از قصه درمانی به مثابه یک فن درمانی ابعاد گسترده‌ای داشته و محدود به مشکلات روان‌شناختی نمی‌شود (فلاحی و کریمی، ۱۳۹۵: ۸۴). بنابراین می‌توان گفت، قصه و قصه درمانی به گونه‌ای است که از یک سو راه‌بردهای رویارویی با مشکلات را به کودکان آموزش می‌دهد و به افزایش مهارت‌های اجتماعی و اعتماد به نفس توجه داشته و از سوی دیگر در جامعه‌پذیری و یادگیری اصول و ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و حقوقی نقش آفرین است. به طور معمول در قصه درمانی شش فن مناسب بازی با کلمات احساسی، فن جعبه دکمه، فن مدیریت احساسات، قصه‌گویی با استعاره‌ها، قصه‌گویی با اشیاء و فن تغییر قصه زندگی خود مورد استفاده قرار می‌گیرد (خدابخشی کولایی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۴). در این بین همان‌طور که بیان گردید، افسانه‌های ایرانی با شگفتی‌ها، زیبایی‌های خیال‌انگیز می‌تواند بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و رفتاری را به کودکان منتقل سازد.^۱ از این رو در این بخش به بررسی افسانه‌های ایرانی به منظور تأثیرات آن‌ها بر روی کودکان بزه‌کار می‌پردازیم.

۱-۱. پیشگیری قصه مدارانه از منظر آموزش ارزش‌ها و باورهای اجتماعی

چگونگی شکل‌گیری شخصیت اشخاص در گرایش آنان به سوی بزه‌کاری نقش آفرین است. به همین جهت، به کارگیری تدابیر مناسب برای سپری شدن فرآیند رشد و چارچوب پیدا کردن شخصیت اشخاص می‌تواند بر جامعه‌پذیر ساختن آنان تأثیرگذار باشد. در میان گونه‌های پیشگیری از جرم ضابطه‌مند و درست تربیت شدن و شکل‌گیری هنجارمندانانه شخصیت اشخاص موضوع پیشگیری فردگرایانه/ اجتماعی است تا در پرتو استفاده از کنش‌های سیاست جنایی/ اقدام‌های ناکیفری، زمینه‌های آشنا شدن با ارزش‌های بنیادین

۱. استفاده از افسانه‌ها در روند قصه‌درمانی توسط پژوهشگران امری ثابت شده می‌باشد (میرحیدری، ۱۳۹۶: ۱۰۶).

اجتماعی و بایدها و نبایدها را فراهم سازد (نیازپور، ۱۴۰۰: ۱۰۰). بنابراین در چارچوب این پیشگیری سعی در تربیت و آموزش کودکان را دنبال می‌نماییم. آنچه اهمیت پیشگیری در حوزه کودکان را دوچندان نموده، افزایش آمار ارتکاب جرایم توسط کودکان زیر ۱۸ سال است. برخی از پژوهش‌گران این موضوع را یکی از حادثترین مسائل اجتماعی جوامع به ویژه ایران معرفی می‌کنند (اقتصاد آنلاین؛ ۱۳۹۷). چنین افزایشی نیازمند بررسی دلایل آن و ارائه راه‌کاری به منظور کاهش بزه‌کاری کودکان می‌باشد. یکی از دلایل افزایش بزه‌کاری کودکان آموزش ندیدن ارزش‌های اجتماعی است. از این‌رو بوده که در برخی از برنامه‌های پیشگیرانه، هدف برنامه فراخوانی رعایت و آموزش هنجارها عنوان شده است (ابراهیمی، ۱۴۰۰: ۶۶).

از آن‌جا که ادبیات - به ویژه داستان‌ها و قصه‌ها - در انعکاس دادن ارزش‌های اجتماعی و تقویت یا مقاومت در برابر آن‌ها نقش داشته (کوش، ۱۳۹۶: ۲۱۷)، از این‌رو منبع مناسبی برای متقاعدکنندگی کودکان به شمار می‌رود. برخی اندیشمندان بر این اعتقادند: «ادبیات و داستان‌ها می‌تواند بسیاری از حقوق و ارزش‌ها همانند عدالت، انسان‌دوستی، آزادی و مفاهیم اخلاقی را به اشخاص به ویژه کودکان آموزش دهند» (Skop; 2015: p13).^۱ بنابراین هر کشوری برای انتقال ارزش‌ها و فرهنگ خود دارای داستان‌ها و افسانه‌هایی در قالب ادبیات است. این داستان‌ها علاوه بر این که در شکل‌گیری ارزش‌ها به کار گرفته می‌شوند، بلکه در خصوص نظم‌دهی زندگی کودکان هم تأثیرگذار هستند. برای مثال، «عمرت را به خوبی سپری کن»، یکی از داستان‌های مسیحیت است که در نتیجه آن بابائونوئل به اشخاص عیدی می‌دهد (یاوندحسینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۲ - ۲۳).

همان‌طور که گفته شد، یکی از دلایل اصلی بزه‌کاری در کودکان آموزش ندادن ارزش‌های بنیادین جامعه به آن‌ها است. رویه قضایی و قانونی ایران با اعمال مجازات ماده

۱. البته در مقابل برخی همانند بن‌تام، معترض استفاده از این شیوه برای تبیین بی‌عدالتی هستند (Weisberg; 2013: 41).

۸۸ قانون مجازات اسلامی^۱ نسبت به کودکان، توجه‌ای به آموزش درست ارزش‌ها به آن‌ها ندارند. حتی برخی از مجازات‌های مورد اشاره در این ماده از بُعد روان‌شناسی کودک دارای ایراد اساسی است، زیرا برای مثال، نصیحت قاضی با توجه به این که کودکان تمایلی به نصیحت مستقیم ندارند و نسبت به آن واکنش منفی نشان می‌دهند خود مشکل‌زاست. از این رو قصه‌های ایرانی می‌تواند کارکردی مؤثر برای آموزش ارزش‌ها برای کودکان به ویژه کودکان بزه‌کار داشته باشد. برای مثال در داستان گلخندان با چنین عبارتی رو به رو هستیم: «تاجری امانت‌دار بود و پول دیگران نزد او قرار داشت. در آتش‌سوزی همه آن اموال از بین رفتند و او با فروش اموال خود پول آن‌ها را داد و خود نادر شد. در نتیجه تاجر مجبور به کوچیدن و سکونت در خراب‌های بیرون شهر گردید» (مهتدی صبحی، ۱۳۹۹: ۱۰). این داستان به کودکان می‌تواند آموزش مسئولیت قراردادی نسبت به مال تحت امانت را بدهد. یا در داستان کره دریایی شاهد پسرکی هستیم که نامادری دل به او سپرده است: «بعد از یک مدت که ملک جمشید استخوان ترکاند، دل در او بست. پسر شوهرش را به چشم دیگری نگاه کرد و توی این فکر بود که ازش کام بگیرد. ولی ملک جمشید به او اعتنایی نکرد و دست رد به سینه‌اش گذاشت» (همان: ۲۰۶). این داستان در آموزش حفظ ارزش پاک‌دامنی

۱. ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی: «درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم تعزیری می‌شوند و سن آن‌ها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است، حسب به مورد، دادگاه یکی از تصمیم‌های زیر را درباره او اتخاذ می‌کند: الف. تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب، تربیت و محافظت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان. تبصره: هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید: ۱. معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روان‌شناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان. ۲. فرستادن طفل یا نوجوان به یک موسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی... ب. تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند الف در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آن‌ها با رعایت مقررات ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی... پ. نصیحت به وسیله قاضی دادگاه...». البته می‌توان گفت با توجه به قسمت دوم بند الف که امکان فرستادن طفل به موسسه آموزشی و فرهنگی برای تحصیل و حرفه‌آموزی توسط قاضی وجود دارد، او می‌تواند موسسه مذکور را کانون پرورش فکری کودکان قرار داده و این کانون بر مبنای یکی از وظایف خود که قصه‌خوانی می‌باشد، بسیاری از هنجارهای اجتماعی را از این راه به کودکان آموزش دهد.

و احترام به اصول پذیرفته شده اخلاقی آموزش مناسبی به کودکان می‌دهد. یا در داستان بوعلی احترام ویژه بوعلی به مادر به عنوان یک ارزش پذیرفته شده اجتماعی را شاهدیم: «هرچه گفتند بمان، او قبول نکرد. گفت: نه باید بروم پهلوی مادرم» (همان: ۲۸۶). اهمیت این داستان از آنجا که اطاعت نمودن از والدین جزء بزه‌های خاص کودکان به حساب آمده می‌تواند کاربرد مؤثر در این خصوص داشته و در نتیجه احترام به والدین را به کودکان آموزش دهد. یا داستان سعد و سعید، سعی در آموزش عدم آزار رساندن به دیگران را دارد. این موضوع به صراحت تمام از این قسمت قصه که پادشاه به یک شرط حاجت رعیت را برآورده می‌نمود، قابل ردیابی است: «هرکس مطلبی داشت، برآورده می‌کرد. این به شرط آن بود که به کسی ستم نگردد» (همان: ۱۹۰). جدول زیر نشان‌دهنده آن است که قصه‌های ایرانی کدام ارزش‌ها را بیشتر مورد توجه قرار داده‌اند:

عنوان قصه‌ها	ارزش‌ها
گل خندان، آجیل مشکل‌گشا، سکنیه آوردی	رعایت امانت‌داری
بزی، مرغ سعادت	رعایت اصول اخلاقی
بزی	راست‌گویی
راه و بی‌راه، خیر و شر، مرغ سعادت، آجیل مشکل‌گشا، سعد و سعید، چهل‌گیسو، کچلک، قاطر و آفتابه	کمک‌رسانی به مردم
آجیل مشکل‌گشا، سعد و سعید، گوسفندی، رمال باشی، نمکی، ماه پیشانی، کره دریایی، گاو پیشانی سفید، ترنج و نارنج، ترنج، شاه و وزیر، بوعلی	آزار رساندن به دیگران
سعد و سعید، ماه پیشانی، کره دریایی	حفظ پاک‌دامنی
نخودو	همکاری نکردن با بزه‌کاران
گل زرد، نمکی، ملی، نمکک، ملک خسرو	حفظ حریم خصوصی

اطاعت از والدین	سکینه آوردی، ماه پیشانی، کچلک، بوعلی
تعهد به قول	شاه و وزیر

با توجه به جدول بالا می‌توان گفت، قصه‌های ایرانی بیشتر تأکید خود را بر روی آموزش کمک‌رسانی به مردم و آزار نرساندن به دیگران قرار داده‌اند. چنین تأکیدی در ظاهر شاید اتفاقی به نظر برسد، اما کاملاً حالت علمی دارد، زیرا برخی از پژوهشگران و متخصصان حوزه کودک همانند دن بارکر، در کتاب راهنمای آزاد اندیشی بیش از همه تأکید خود را بر روی آموزش درستی از نادرستی، عدم آزار دیگران و نحوه کمک‌رسانی به آن‌ها قرار داده است (بارکر، ۱۳۹۵: ۱۱-۱۳). آموزش این ارزش‌ها به کودکان بزه کار زمانی می‌تواند بیشتر تأثیرگذار باشد که در قالب دسته جمعی و با یک رویکرد عدالت ترمیمی صورت پذیرد. از این رو است که برخی پژوهشگران تأکید خود را در آموزش هنجارها بر بستر محیط همسالان قرار داده‌اند. این موضوع در فرآیند جامعه‌پذیری و چگونگی شکل‌گیری نظام رفتاری، رشد عاطفی، روانی، اندیشه‌ورزی، یگانگی اجتماعی و آشنا شدن با ارزش‌ها نقش اساسی ایفا می‌کند (نیازپور، همان: ۱۳۱).

۱-۲. پیشگیری قصه مدارانه از منظر شناخت نیازها و مدیریت آنان

بدون تردید ارتکاب بزه همانند سایر اعمال انسان‌ها در راستای پاسخ به نیازهای روزمره صورت می‌گیرد. همه انسان‌ها به طور طبیعی نیازهای مشترکی دارند. برای برخی از اشخاص رسیدن به این نیازها از راه قانون‌مند امکان‌پذیر بوده اما گروه دیگری از اشخاص یا نمی‌خواهند یا نمی‌توانند نیازهای خود را از راه قانونی و مشروع تأمین کنند و به همین دلیل به سراغ بزه کاری می‌روند (محمدنسل، ۱۴۰۱: ۹۱). رابرت کینگ مرتن از جمله پندارگران جنایی بوده که به برابری و عدالت اجتماعی در هنجارمند شدن اشخاص تأکید دارد. به هر رو، بودن فرصت‌های برابر به منظور رسیدن به نیازها در جامعه می‌تواند زمینه‌های سازگاری اشخاص با ارزش‌ها و هنجارها را فراهم سازد. اما، نبود ابزار و فرصت‌های لازم برای دست یافتن به هدف‌ها چالش‌های متعددی را در نظام رفتاری دسته‌ای ایجاد می‌کند (نیازپور، همان: ۱۱۱). از این رو دریچه‌ی روآوری به بزه کاری در نبود فرصت‌های قانون‌مندانه برابر به منظور

رسیدن به نیازها و فشارهای برآمده از آن ریشه دارد. زیرا، اشخاص در عرصه جامعه دارای هدف‌ها و نیازهایی هستند که ناکامیابی به آن‌ها اسباب پیدایش فشار و واکنش‌های متعدد از جمله نوآوری و به کارگیری ابزارهای ناقص هنجارهای کیفی برای رسیدن به آن‌ها را فراهم می‌کند (رایجیان، ۱۳۹۸: ۱۴۱). چنین تأثیرگذاری منجر می‌گردد تا به منظور پیشگیری اجتماعی و رشد مدار از یک سو به شناساندن نیازهای مشروع و واقعی به کودکان و نوجوانان اقدام نموده و از سوی دیگر به حذف و جایگزینی نیازهای کاذب که در بین کودکان و نوجوانان نیز در حال گسترش است، توجه نماییم. عدم توجه به این موضوع، با توجه به ناتوانی جامعه در تأمین فرصت‌های برابر، می‌تواند منجر به گسترش بزه‌کاری در میان این قشر گردد.

قصه‌ها به ویژه در کودکان قابلیت چنین کارکردی را دارا هستند، زیرا از یک سو ضمن تأیید وجود انواع نیازها در انسان‌ها سعی در مشخص نمودن ابزارهای درست به منظور رسیدن به آن‌ها را دارند. هم‌چنین از سوی دیگر در صورت نبود چنین ابزاری سعی در موقتی جلوه دادن آن داشته و در صورت صبوری و ماندن در راه قانونی در آینده نزدیک ابزارهای قانونمند دیگری در انتظارشان خواهد بود. نمونه چنین برداشتی از قصه سعد و سعید قابل مشاهده است: «خارکنی دو پسر داشت و زنش مرده و زن دیگری گرفت. یک روز که از خارکنی و فروش آن بر می‌گشت، نیازمندی کمک خواست و او کل پولش را به او داد و آن‌گاه بی‌چیز به خانه رفت و همسرش غر زد و نان کپک زده خوردند» (مهتدی صبحی، همان: ۱۱۰). این خارکن حتی در روزهای دیگر نیز به دلیل سوختن خارهای بیابان، تنها ابزار رفع نیاز مادی خود را نیز از دست داده، اما با این حال از ابزار غیرقانونی برای رسیدن به هدف خود استفاده نمی‌نماید. نتیجه مدیریت چنین موضوعی را این قصه چنین بیان می‌کند: «... دید خارها سوخته و مرغی بر روی آن لانه کرده است. مرغ را به خانه می‌آورد. مرغ روز بعد تخم طلا گذاشته بود...» (همان: ۱۱۱). با وجود چنین موضوعی قصه‌ها سعی در تبیین این گفته نیز به خواننده و کودکان دارند که اگر رفع نیاز از راه درستی صورت نگیرد، باید اشخاص شاهد گرفتار شدن و دیدن سزای عمل خود نیز باشند. برای مثال در قصه خاله گردن دراز زمانی که مرد زرگری هدف دست‌یابی به ثروت بسیار را تقلب در معامله و سرقت

طلاهای پادشاه قرار می‌دهد، با چنین نتیجه‌ای رو به رو می‌گردد: «پادشاه حکم کرد: که او را بالای مناره‌ای ببرند و بعد در مناره را گل بگیرند تا همان بالا از گرسنگی و تشنگی بمیرد» (همان: ۱۴۰). از این رو قصه بالا سعی دارد تا با رویکرد سزاگرایانه، کودکان را نسبت به قرار گرفتن در چنین شرایطی بیم دهد.

۳-۱. پیشگیری قصه مدارانه از منظر توانمندسازی فردی و اجتماعی

عوامل خطر جرم به صورت طبیعی در هر جامعه‌ای وجود دارند اما فقط تعداد خاصی از اشخاص در برابر این عوامل مقاومت نکرده و خیلی سریع تسلیم می‌شوند. در مقابل، اشخاص توانمندی وجود دارند که به راحتی تسلیم عوامل بزه‌زا نشده و به دنبال غلبه و یافتن راه‌کاری جایگزین در این زمینه هستند (محمدنسل، همان: ۹۶). از این رو توانمندسازی فردی و اجتماعی به ویژه در کودکان می‌تواند راه‌کاری پیشگیرنده از ارتکاب بزه تلقی گردد. قصه‌های ایرانی از چنین ظرفیتی برخوردار بوده که به منظور این توانمندسازی در کودکان مورد استفاده قرار بگیرند.

۱-۳-۱. قصه‌ها؛ آموزش‌گری مناسب در مهارت اجتناب از ستیزه

کودکان و نوجوانان نیاز دارند، علاوه بر کسب توانایی خواندن، نوشتن، حساب کردن و... مهارت‌های زندگی را نیز فرا بگیرند. یکی از مؤلفه‌های مهارت زندگی که در جهت زندگی سالم برای کودکان و نوجوانان لازم و ضروری است، سلامت و تعادل دستگاه روانی بوده که در مقابل هیجان‌های کاذب، ناخوشایند و افراطی یاری‌رسان باشد. از این رو در جرایم خشن، بالا بودن روان‌پریشی در کودکان و نوجوانان را می‌توان مشاهده نمود.^۱ این مهارت ما را قادر می‌سازد که در برابر وضعیت‌های پرخطر کج‌رویی، منطقی‌ترین واکنش‌ها را از خود بروز دهیم. آن‌چه دلیل توجه ویژه به این مهارت را بیشتر می‌کند، افزایش روزافزون گرایش به بزه‌های خشونت‌آمیز میان کودکان است. برخی از داده‌های مطالعاتی نشان‌دهنده آن است که حتی دختران به مانند پسران به طور فزاینده‌ای درگیر انواع مشابه‌ای از اعمال

۱. درباره تأثیر روان‌پریشی در افزایش جرایم خشن رج به: (Baglivio; 2020: 337).

مجرمانه‌ی خشونت‌آمیز هستند (گورمن و ام. ویولو، ۱۳۹۳: ۱۸۳). در این راستا هم‌چنین می‌توان به یکی از بزه‌های خاص کودکان نیز که جنبه خشونت‌آمیز به خود گرفته، به نام قلدربازی اشاره نمود. نخستین پژوهش‌ها در این زمینه توسط روان‌شناس نروژی به نام، دانیل الوئوس، به سال ۱۹۸۲ زمانی که سه پسر بچه بزه‌دیده این موضوع دست به خودکشی زدند، صورت گرفت. این معضل از سه عنصر رفتار عمدی و پرخاش‌گرایانه، رویکرد تکرار‌گرایانه و قوی‌تر تلقی نمودن بزه‌کار توسط بزه‌دیده تشکیل می‌شود (گیل، ۱۳۹۳: ۵۹). به منظور مقابله و پیشگیری از چنین خشونت‌هایی تاکنون از برنامه‌های متعددی همانند برنامه Partners به منظور اجتناب از ستیزه‌گرایی به اجرا درآمده است. در این برنامه پیشگیرانه سعی گردیده است تا به کودکان نشان داده شود که خشونت تنها راه حل برای برطرف نمودن مشکل نمی‌باشد. استفاده از این راه‌کار در عمل موجب یادگیری نحوه‌ی استفاده از ابزارهای بهتر به منظور مدیریت زندگی را به دنبال داشته است (ابراهیمی، همان: ۸۲).

در این بین قصه‌ها نیز می‌تواند به عنوان منبعی برای کاهش روان‌پریشی و اختلال‌های سلوک در کودکان باشد. به گونه‌ای که برخی پژوهش‌ها در تأثیر مثبت قصه‌درمانی در این خصوص دلالت دارند. برای مثال برخی پژوهشگران اعلام می‌کنند که کودکان دارای اختلال به ویژه خصومت و پرخاش‌گری با استفاده از قصه‌ها و داستان‌ها به منظور فنون آموزش مهارت‌های حل مسأله تأثیر فراوانی در کاهش این اختلال‌ها در آن‌ها داشته است (یاوندحسینی و دیگران، همان: ۷۳). نمونه‌ای از گذشت و درگیر نشدن با شخص بدی‌کننده را می‌توان در قصه راه و بی‌راه مشاهده نمود. در این داستان شاهد خوبی فراوان راه نسبت به بی‌راه هستیم. با این حال زمانی که راه نیاز به کمک بی‌راه دارد، او از کمک دریغ نموده و راه را در وضعیتی که می‌تواند موجب هلاکش شود، رها می‌سازد. با این وجود راه جان سالم به در برده و مقامی بزرگ به دست می‌آورد. انتهای قصه با وجود فراهم بودن موقعیت تلافی، راه نسبت به او گذشت می‌نماید: «مدتی بعد با سوارانی به گردش و شکار می‌روند، سواری به آن‌ها نزدیک می‌شود. راه وقتی دقت می‌کند، می‌بیند که همان بی‌راه است. بی‌راه وقتی اوضاع و احوال او را می‌شنود، می‌خواهد که از حسودی بترسد» (مهتدی صبحی، همان: ۵۶). این موضوع به صورت آشکارتر در قصه خاله گردن دراز نمود بیشتری می‌یابد. در این

داستان، شاه با وجود آن که زرگر نسبت به او خیانت در امانت نموده و فرصت مجازات و به نوعی خشونت را نسبت به او دارد، روحیه گذشت و مصالحه را از خود نشان می‌دهد: «شاه گفت: تو را می‌بخشم و تو نیز زنت را ببخش. تا من تو را وزیر و دست راست خودم نمایم» (همان: ۱۴۲). بنابراین با توجه به چنین محتوایی می‌توان از چنین قصه‌هایی در مدارس و وقت فراغت دانش‌آموزان استفاده نمود تا زمینه‌ساز ایجاد روحیه گذشت و کاهش میزان درگیری میان آنان را موجب شد.

۱-۳-۲. قصه‌ها؛ تقویت گر بازسازی و ارتقای تعهد اجتماعی

نظریه کنترل اجتماعی هیرشی معتقد است که بزه‌کاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود شخص نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به طور کلی از بین برود. از این رو در پرتو نگره مذکور عامل‌هایی همانند وابستگی، تعهد، پابندی و باور داشتن، نقش پررنگی در پیشگیری از بزه‌کاری ایفا می‌کند (رجبی‌پور، ۱۳۹۱: ۴۳). در این بین وابستگی همانا برخوردارگی از گرایش و علاقه به اشخاص و نهادهاست که در برقراری پیوند اجتماعی نقش آفرین است. در پرتو ارتقای وابستگی و تعهد به نهادهای مذکور همانند خانواده، مدرسه، دوستان و همسالان شاهد دور شدن شخص از دنیای بزه‌کاری خواهیم بود (نیازپور، همان: ۱۱۵). در عمل برخی از برنامه‌های پیشگیرانه اجرا شده، بر مبنای این نظریه بوده است. نمونه‌ی چنین طرح‌هایی در سوییس به سال ۲۰۰۴ مورد استفاده قرار گرفته است. هدف از اجرای این طرح رشد ظرفیت‌های اجتماعی و عاطفی کودکان و نوجوانان بوده تا از این طریق بتوان وابستگی و تعهد آن‌ها را به محیط پیرامون به ویژه مدرسه، دوستان و همسالان افزایش داده تا از این راه از رفتارهای خلاف هنجارها پیشگیری نمود (جندلی، همان: ۷۶).

افزون بر نکته بالا باید یادآور شد، در کنار ارتقای تعهد اجتماعی، تقویت بازسازی به منظور پیشگیری از بزه‌کاری نیز مطابق نظریه برچسب زنی نباید از نظرگاه تحلیلی مان دور گردد. به منظور رسیدن به این هدف از یک سو باید جلوی مداخله رسمی و بنیادی گرفته شود و از سوی دیگر در صورت برچسب‌خوردگی، شخص برچسب‌خورده تلاش نماید تا اطرافیان را متقاعد نموده تا او را دیگر منحرف قلمداد نکنند (وایت و هینز، ۱۴۰۱: ۱۹۰).

قصه‌های ایرانی از یک سو قابلیت آموزش بازسازی‌گاری و ناامید نشدن را داشته و از سوی دیگر نیز توان آموزش نحوه ارتقای وابستگی و تعهد اجتماعی را دارد. برای نمونه قصه کره دریایی، با رویکرد علت‌شناسانه نشان‌دهنده آن است که به دلیل وابستگی زیاد فرزند نسبت به پدر، عمل خیانت با نامادری اتفاق نمی‌افتد: «پادشاهی پسری داشت به نام ملک جمشید که مادرش را دست داده بود و بی‌تاب تا این که وزیر به خاطر علاقه پدر به فرزند به او می‌گوید تا کره‌ای برایش بگیرند... زن با چشم دیگری نسبت به ملک جمشید نگاه می‌نمود اما او اعتنایی نمی‌کرد» (مهتدی صبحی، همان: ۲۰۶). از این رو چنین تأثیری موجب می‌شود، به منظور آموزش افزایش وابستگی میان فرزندان و والدین شاهد ترویج رابطه‌های خوب و نزدیک میان آن‌ها توسط قصه‌ها باشیم: «بعد چهل روز به شهر خود برای دیدن پدر که از دوری او کور شده بود رفت که با توتیای دریایی درمان شد» (همان: ۲۱۶). یا در داستان دیگر نیز سعی در آموزش ایجاد وابستگی شدید میان خواهر با برادر هستیم. این داستان میزان علاقه را به حدی می‌داند که با وجود گم کردن برادر، خواهر عروسی خود را به بودن او گره می‌زند: «به او پیشنهاد عروسی دادند، چون پسر را دوست داشت، قبول کرد اما عروسی را نباید برگزار نمود تا از چشم به راهی در آید» (همان: ۱۱۶).

قصه‌های ایرانی علاوه بر آموزش افزایش وابستگی، سعی دارد تا نسبت به عدم توجه به برجسب‌خوردگی توسط اطرافیان نیز اشاره و آن را هم آموزش دهد. برای نمونه، در قصه ماه پیشانی شاهد انگ‌زنی نامادری به دخترک هستیم: «قشنگی‌اش سرش را بخورد، از بس بدجنس است. از صبح تا غروب بالای پشت بام با جوان‌های همسایه چشم و ابرو می‌آید» (همان: ۱۹۸). این قصه به زیبایی تمام عدم اعتنا به برجسب زدن توسط دیگران را در ادامه بیان می‌کند: «گفتند: به ما ربطی ندارد...» یا «گفت از بیرون شهر برویم که من با مادرم خداحافظی کنم. گفتند: مگر او نبود. گفت: او نامادری‌ام بود. پس دلیل آن گفتارها و رفتارها این بود. خوب شد که به حرفش اعتنایی نکردیم» (همان).

۲. کارکردهای داستان‌های ایرانی در حوزه پیشگیری از بزه‌دیدگی

اگر بر اساس یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی، بزه‌دیده را در فرایند فعلیت یافتن بدانیم، اقدام و فعالیت‌های پیشگیری باید مرزهای خود را به شخص بزه‌دیده گسترش داده و نسبت به پیشگیری از بزه‌دیدگی نیز تلاش کند. بدیهی است که پیشگیری از بزه‌دیدگی در جهت تحقق هدف اصلی، یعنی پیشگیری از بزه‌کاری بوده و مکمل آن خواهد بود. این موضوع می‌تواند با شناسایی بزه‌دیدگان بالقوه و مستعد، اعمال مراقبت، حمایت‌های ویژه از بزه‌دیدگان مستعد و ترویج فرهنگ خود ایمن‌سازی صورت پذیرد (عباچی، ۱۳۸۳: ۷۴). قصه‌های ایرانی در این باره بیش از همه می‌توانند به ارتقای آگاهی عمومی و اختصاصی در باب بزه و هم‌چنین آموزش مهارت‌های مؤثر، مانع از رخ دادن بزه‌دیدگی شوند. از این رو در این بخش در دو گفتار مجزا به بررسی تفصیلی آن‌ها می‌پردازیم.

۱-۲. قصه‌ها عاملی برای ارتقای آگاهی عمومی و اختصاصی در باب بزه و انحراف بسیاری آگاهی‌سازی عمومی را از مصادیق پیشگیری اولیه می‌دانند. بسیاری از مردم به دلیل ناآگاهی نسبت به الگوهای جرم یا انحراف و یا فرصت‌های زمینه‌ساز کج‌رویی، آماج بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. کودکان اصولاً نمی‌دانند که چه عواملی منجر به بالا رفتن خطر بزه‌دیدگی می‌شوند و نسبت به عوامل زمینه‌ساز خطر بزه و انحراف آشنایی کافی ندارند. ماهیت این آگاه‌سازی می‌تواند شامل ارائه اطلاعات کلی در مورد عوامل خطر، آثار و پیامدهای بزه، راه‌های اجتناب از آن و میزان درد و رنج ناشی از بزه که باید تحمل گردد، باشد. آگاه‌سازی اختصاصی بر خلاف آگاه‌سازی عمومی تمام کودکان را شامل نگردیده، بلکه به عنوان یک راه‌کار پیشگیری ثانویه، تلاش خود را متمرکز بر کودکان مستعد بزه‌دیدگی قرار می‌دهد و راه‌کارهای بالا را به شکل ویژه‌تر نسبت به این گروه اعمال می‌کند (محمدنسل، همان: ۸۸). این موضوع می‌تواند جزء پیشگیری کنشی از بزه‌دیدگی نیز تلقی شود، زیرا ناظر بر اقدام‌هایی و تدابیری است که قبل از بزه‌دیده شدن طفل یعنی قبل از به فعلیت یافتن فرایند اندیشه بزه‌کارانه اعمال می‌گردد (عباچی، همان: ۷۴).

قصه‌های ایرانی بیش از همه بدون تفکیک میان آگاهی‌سازی عمومی و اختصاصی، سعی دارد تا بر سختی‌های موجود در بزه‌دیدگی که بزه‌دیده آن را تحمل می‌کند، اشاره نماید. دلیل چنین موضوعی آن است که به آگاه‌سازی کودکانی که گاه بزه‌دیدگی را آن‌چنان بزرگ قلمداد نمی‌نمایند و نسبت به پیامدهای آن بی‌اطلاع هستند، اقدامی صورت گیرد. برای مثال در داستان ماه پیشانی به طور غیرمستقیم به کودکان آموزش داده می‌شود که نتیجه نه گفتن به بزه‌کار و در دام بزه‌دیدگی افتادن چه پیامدهایی را می‌تواند به دنبال داشته باشد، زیرا هنگامی که ملاباجی، معلم مکتب‌خانه، از ثروتمند بودن خانواده ماه پیشانی مطلع می‌شود، شروع به مهربانی به شهربانو نموده و از این راه همسر پدرش شده و در نتیجه: «ملاباجی یواش یواش با شهربانو بدرفتاری کرد. تمام کارهای سخت خانه را همانند جارو، رخت‌شویی و ظرف‌شویی را به او می‌داد» (مهتدی صبحی، همان: ۱۸۶). یا در داستان سعد و سعید، نیز شاهد سادگی پسرک و گول خوردن او توسط دختری هستیم که این موضوع موجب سختی‌های بسیار برای پسرک می‌گردد: «وقتی داخل آب شد، دخترک سوار قالیچه شد و تمام وسایل او را برد. او تنها و به دلیل آنکه راه بازگشت را نمی‌دانست کنار درختی نشست و با حالت ناراحتی به بدبختی خود فکر نمود که تنهایی چه باید بکند» (همان: ۱۲۵).

۲-۲. قصه‌ها عاملی برای آموزش مهارت‌های مؤثر

پدیده بزه‌دیدگی کودکان و نوجوانان مسأله‌ای مربوط به زمان حاضر نیست و نگاه اجمالی به تاریخ بشری به خوبی نشان می‌دهد که این پدیده همواره به عنوان برجسته‌ترین قربانی تاریخ، چهره می‌نمایند (کلاتتری و نصرالهی، ۱۳۹۵: ۱۷۱). این موضوع موجب می‌شود تا در گذر زمان اندیشمندان سعی در یافتن راه‌حل‌ها و برنامه‌هایی باشند تا با آن‌ها شاهد به حداقل رسیدن بزه‌دیدگی در کودکان باشیم. یکی از این راه‌ها افزایش مهارت‌هایی همانند قدرت نه گفتن است که در کودکان موجب می‌شود تا در شرایط بزه‌دیدگی قرار نگیرند. اشتراک‌گذاری داستان و قصه به عنوان یک برنامه، موجب درک عمیق‌تر نسبت به خود و زندگی اطراف شخص می‌گردد و همچنین موجب افزایش مهارت‌های مؤثر در جلوگیری از بزه‌دیدگی می‌تواند تلقی گردد (Justyna salvail; 2015: 37- 39). بنابراین قصه‌ها

می‌تواند تأثیر به سزا در راه کارهایی همانند روحیه از خودگذشتگی، نحوی ارتباط با دیگران و حس تعلق در بزهدیده به ویژه بزهدیدگان کودک گردد. البته جمعی بودن و مشارکت محوری در این خصوص اهمیت فراوان دارد؛ زیرا داستان خوانی جمعی می‌تواند آن‌ها را ترغیب کند تا به شخصیت‌ها شکل دهند، درباره وقایع مختلف داستان فکر کنند، به جستجوی راه حل پردازند، خود را در موقعیت شخصیت‌ها قرار دهند.^۱ این موضوع بارها خود را در بزهدیدگی کودکان نشان می‌دهد که علت بزهدیدگی و بعدها بزهدیدگی آنان قدرت نه نگفتن و نشناختن اصول ابتدایی بوده است (مولایی، همان: ۶۹). علاوه بر این موضوع حتی قصه‌ها می‌تواند راه کاری برای کاهش خشونت نسبت به اطفال از سوی والدین نیز گردد، برای مثال مادران نیالی به جای تنبیه بدنی، داد و فریاد و یا کنار گذاشتن کودکان از قصه‌ها به منظور کنترل و مراقبت کودکان استفاده می‌کنند (یاوندحسینی و دیگران، همان: ۲۳).

آن گونه که گفتیم از عوامل اصلی بزهدیدگی اولیه و حتی بزهدیدگی ثانویه در کودکان، آشنایی نداشتن با قدرت نه گفتن و توانایی حل مسأله است. این درحالی است که بسیاری از قصه‌های ایرانی توانایی آموزش این مهارت‌ها را به کودکان دارد. برای مثال در داستان نخودو شاهد یاد دادن نحوه آگاهی دیگران توسط کودک بزهدیده هستیم: «دزدها او را ساکت که خیر ندیده یواش تر، او باز بلندتر داد کشید و نگهبان بیدار شد... و آن‌ها پا به فرار گذاشتند» (مهتدی صبحی، همان: ۹۰). این داستان به کودک می‌تواند آموزش دهد، زمانی که دیگران از او برای ارتکاب بزهد سوء استفاده می‌کنند، چگونه اقدام نموده و جلوی بزهدیدگی بیشتر را بگیرد. یا داستان سکنیه آوردی به کودکان می‌تواند نحوه تسلیم نشدن در برابر بزهد کار و چگونگی برون رفت از این موقعیت را آموزش دهد: «سکنیه ترسید که خود را به تله انداختند. اما باز خود را نباخت. سکنیه به او گفت: دلم گرفت، اطراف را نشانم بده. شمع را روشن، انبارها و... را به او نشان داد. به چاهی رسیدند و سکنیه در خصوص چاه

۱. موضوع برنامه‌های جمعی علاوه بر قصه‌درمانی در برنامه‌های دیگر بازپروری کودکان به ویژه کودکان بزهدکار مورد تأکید قرار گرفته است. در این خصوص رج به: (Baglivio and Wolff; 2020: 139).

پرسید. گفت: هر که را که اسیر کنند، درون این چاه می‌اندازند. دخترک به درون آن نگاه و گفت: این چیست؟ خواست او نگاه کند که هلش داد تو ی چاه» (همان: ۱۴۶). با توجه به این شاهد مثال‌ها می‌توان گفت، قصه‌های ایرانی این قابلیت را دارند تا برای آموزش حل مسأله مورد استفاده قرار گیرند. در جدول زیر می‌توان داستان‌هایی که چنین قابلیت داشته را مشاهده نمود:

عنوان داستان‌ها	آموزش حل مسأله برای جلوگیری از بزه‌دیدگی
نمدی، مرغ سعادت، نخودو، گوسفندی، رمال باشی، خاله قورباغه، نخودو و دیو، سکینه آوردی، نمکی، ملی، نمکک، ملک خسرو، ماه پیشانی، گاوپیشانی سفید، نارنج و ترنج، شاه و وزیر، ملک‌شاه، ملک محمد، کچلک، بوعلی، چهل گیسو	دارای قدرت حل مسأله
گل خندان، بزی، راه و بی‌راه، خیر و شر، آجیل مشکل‌گشا، سعد و سعید، گل زرد، ترنج، کره دریایی، چهل گز مه مو، سنگ صبور، قاطر و آفتابه	فقدان قدرت حل مسأله

با توجه به جدول بالا می‌توان گفت، نزدیک ۷۰ درصد از قصه‌های ایرانی مورد مطالعه توانایی آموزش حل مسأله را به کودکان به ویژه کودکان بزه‌دیده دارا هستند که این موضوع می‌تواند مورد توجه سیاست‌گذاران اجرایی در این زمینه قرار گرفته و در برنامه‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی استفاده گردد.

۳. سیاست جنایی اجرایی فرهنگ محور ایران در قبال قصه درمانی

در مسأله قصه درمانی می‌توان نوع رویکرد دو نهاد آموزش و پرورش و صدا و سیما که بیشترین تاثیرگذاری در فرهنگ‌سازی کشور را دارند، را مطالعه نمود و در این خصوص سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا این دو نهاد از این شیوه در حوزه پیشگیری از

بزه کاری و بزه دیدگی کودکان و آموزش هنجارهای اجتماعی به آنها استفاده می‌کنند؟ برای این موضوع ضروری است که نقش هر دو آنها را مورد بررسی قرار دهیم.

۳-۱. کنش‌گران آموزش‌دهنده

محدودیت‌های شناختی و زبانی کودکان از یک سو و انگیزه پایین این افراد به ویژه کودکان بزه‌دیده، برای مشارکت در فعالیت‌های روان‌درمانی موجب می‌شود تا قصه به عنوان یک راه‌کار مؤثر و عالی در درمان و آموزش هنجارها نسبت به کودکان عمل نماید. قصه‌درمانی، روایت و باز روایت داستان‌های اشخاص درباره زندگی خودشان است که به آنها کمک می‌کند، به مشکلات خود معنای متفاوت ببخشند و مهارت‌های حل مسئله خود را بهبود دهند. به علاوه قصه‌ها، این امکان را به کودکان می‌دهد تا شخصیت‌های داستان را به عنوان الگوی نمادین با تجربه‌های زندگی خود ارتباط داده و به دنبال پیدا نمودن راه‌حل‌های مناسب برای مشکلات‌شان باشند (شهبازی‌زاده و خواجه‌ایمانیان، ۱۳۹۷: ۷۱-۷۲). از این رو قصه می‌تواند شخص را نسبت به آینده امیدوار، اصول اخلاقی و قانونی را به زبانی ساده‌تر به آنها یاد دهد و به عنوان راه‌کار کم‌هزینه برای پرورش روح و فکر کودک تلقی شود. از این رو و از آنجا که قانون‌گذار از یک سو در ماده ۲ قانون اهداف و وظایف آموزش و پرورش ۱۳۶۶ آشنا ساختن دانش‌آموزان با ارزش‌های بنیادی همانند عدالت‌گستری، قانون‌مداری، مسوولیت‌پذیری، برابری، کناره‌گذاری، تفاوت‌گذاری را در شمار وظیفه‌های این نهاد قرار گرفته و از سوی دیگر با توجه به بند ۲۷ ماده ۱۰ همان قانون، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های جذاب و متنوع به منظور استفاده مفید و سازنده از اوقات فراغت دانش‌آموزان را اشاره داشته، از این رو استفاده از راه‌کار قصه‌درمانی می‌تواند زیر نظر آموزش و پرورش معنا یابد. با این وجود چنین موضوعی در ایران در سال‌های پس از انقلاب برای نخستین بار توسط وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمدحسین صفارهرندی، در مراسم روز بزرگداشت کتاب و دانش‌آموز (۲۶/۸/۱۳۸۷) مطرح گردید و به دلیل همین موضوع وی وعده زنگ کتاب برای کتاب‌های غیردرسی به ویژه کتاب‌های داستان را داد (خبرگزاری ایبنا، ۱۳۸۷). اما در عمل این امید رنگ واقعیت نگرفت و همان

طور که برخی پژوهش‌ها به این موضوع اشاره کرده‌اند؛ مدرسه‌های کشورمان به خاطر فقدان امکانات و تجهیزات لازم، نبود فضای فیزیکی کافی برای مطالعه، ناکافی بودن تعداد کتاب‌ها موجود در کتابخانه‌ها، سازگار نبودن اغلب کتاب‌های موجود با نیازهای فردی کودکان و جدی گرفته نشدن مقوله کتاب‌خوانی از این طرح استقبال ننمودند (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۵۸). در پژوهش دیگر ضمن بیان آن که قصه‌درمانی در مدارس از یک‌سو نیازمند مجهز بودن کتابخانه‌های مدارس بوده و از سوی دیگر آموزش دادن کافی به معلمان تربیتی و پرورشی است، عملکرد آموزش و پرورش در این زمینه را بسیار ضعیف عنوان نموده است. پژوهش‌گر در این پژوهش با روش پیمایشی - توصیفی و با جامعه آماری ۲۶ کارشناس پرورشی و مشاوره آموزش و پرورش شهرستان رزن/ استان همدان که به صورت تمام‌شمار در اسفندماه سال ۱۳۹۶ انجام گرفته، به نتایج زیر رسیده است: «۱. تمامی ۲۶ کارشناس معتقدند که اقدامی توسط آموزش و پرورش برای چنین طرحی صورت نگرفته است. ۲. ۱۵ تن از این کارشناسان با این روش آشنایی مختصری داشته، اما در عمل تنها دو تن از آن‌ها مبتکرانه و نه به صورت علمی از آن بهره برده‌اند. ۳. ۲۱ تن از این کارشناسان دید کاملاً منفی به این موضوع داشته و دلیل عمده آن وقت‌گیر بودن این طرح و عدم علاقه معلمان برای کارهای اضافی می‌دانند. ۴. با توجه به این که اجرای این طرح نیازمند کتابخانه‌های مجهز است، در عمل تنها سه کتابخانه مجهز در مدارس این شهرستان فعال بوده و از کل کتابخانه‌های مجهز و غیرمجهز این شهرستان هم تنها یک مدرسه دارای کتاب‌های مختص کودکان و نوجوانان می‌باشد؛ از این رو در عمل تا زمانی که کتابخانه‌های شهرستان فعال نشده، نمی‌توان آن‌ها را با کتاب‌های مختص این گروه مجهز کرده و از این روش استفاده نماییم. پژوهش‌گر در نتیجه‌گیری نهایی چنین عنوان می‌کند: «البته باید گفته شود که این راه کار به تنهایی برای همه انحراف‌ها و مشکل‌های کودکان و نوجوانان کارساز نیست، بلکه همان طور که در برنامه‌های پیشگیرانه از چندین راه کار در کنار هم استفاده می‌گردد، می‌توان از این روش نیز به عنوان یکی از روش‌ها استفاده نمود. این روش برای موفقیت همانند دیگر برنامه‌های پیشگیرانه زمان‌بر بوده و از سوی دیگر نیازمند آموزش و آشنایی معلمان با این راه کار است» (مولایی، همان: ۷۳-۷۶). این در حالی است که از یک‌سو با

وجود معاونت‌های آموزش ابتدایی، متوسطه، پرورشی، فرهنگی و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و از سوی دیگر وجود نهاد ویژه اداره کل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی در زیر مجموعه معاونت پرورشی و فرهنگی نباید شاهد چنین کاستی‌هایی در سطح آموزش و پرورش باشیم.

با وجود همه این فقدان‌ها و کاستی‌ها، نظام آموزش و پرورش ایران سعی در عملیاتی کردن راه کار قصه‌نویسی و قصه‌خوانی در سال ۱۳۹۷ کرده است. در این سال برای نخستین بار قصه جایگزین پیک نوروزی شد تا از این راه قصه‌هایی که از ذهن کوچک کودکان تراوش می‌کند را در قالب داستان بیان نمایند و بعد از تعطیلات عید آن را در کلاس برای هم‌کلاسی‌های خود بخوانند. بسیاری از این قصه‌های کودکان حاوی اصول ثابت اخلاقی بوده و خواندن آن در بین کودکان دارای رویکردهای پیش‌گیرانه می‌تواند باشد. برای نمونه مینا کودک ابتدایی در بخشی از داستان خود این گونه به مسأله اهمیت امانت‌داری اشاره می‌کند: «مادرش عیدی‌های خواهرش را هم به او می‌داد، دخترک پول‌دار شده بود اما یک روز مادرش به گفته بود که عیدی‌های خواهر کوچکش پیش او امانت است و باید در قلمک خودش بریزد» (روزنامه همشهری، ۱۳۹۷: ۴). یا دانش‌آموزی دیگر در داستان خود با نام «شیر و لک‌لک» به بچه شیری اشاره داشته که به خاطر مرگ پدر مجبور به شکار رفتن می‌شود. او قصد شکار لک‌لکی را داشته ولی در این حین مجروح می‌گردد. با این که شیر قصد جان لک‌لک را داشته اما توسط او نجات داده می‌شود و حتی در انتها، داستان سعی در پررنگ کردن بخشش، گذشت و مهربانی داشته و چنین داستان را به پایان می‌رساند: «خانم لک‌لک به من یک سبد بزرگ داد و گفت این را به خانه ببر و به خانواده‌ات بده، سبد را باز کردم و دیدم یک عالمه گوشت تازه بود» (همان). چنین داستانی می‌تواند به جای روحیه انتقام در کودکان، روحیه صلح و بخشش را ترویج دهد. با وجود آن که این راه کار بسیار بدیع و نو می‌باشد اما در عمل از یک سو بخاطر آن که حالت اختیاری داشته، موجب مشارکت نمودن همه دانش‌آموزان نمی‌شود و از سوی دیگر شاهد تخلف‌هایی همانند اجبار والدین به خرید کتاب‌ها یا لوح فشرده در زمینه قصه‌نویسی و تشکیل کلاس‌های با هزینه‌های

گزارش در این زمینه بوده و از این رو شاهد ادامه نداشتن آن هستیم.^۱ یکی دیگر از نهادهایی که زیر نظر آموزش و پرورش از سال ۱۳۴۴ مشغول به فعالیت بوده کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. این نهاد وظیفه ایجاد امکانات لازم برای رشد و پرورش فکری و ذوقی کودکان و نوجوانان و کمک به شکوفایی استعدادهای آنان در اوقات فراغت را بر عهده دارد. از این رو این نهاد به منظور دستیابی به اهداف گفته شده از مجیز نمودن کتابخانه‌های عمومی با کتاب‌های کودکان، ایجاد تئاتر، آثار سینمایی همانند بچه‌های آسمان^۲ و سرگرمی‌های سازنده دست می‌زند که یکی از این سرگرمی‌ها که می‌تواند مورد توجه بیشتری قرار بگیرد، قصه‌خوانی است.^۳

۳-۲. کنش‌گران فرهنگ‌ساز

از جمله دستگاه‌های فرهنگ‌ساز یا به نظر مهم‌ترین آن‌ها صدا و سیما به شمار می‌رود. این سازمان با توجه به قانون خط مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۱، وظیفه‌های فرهنگ‌مدارانه متعددی همانند آگاه‌سازی جامعه، گسترش شادی، رشد اخلاق و... را بر عهده دارد. این سازمان برای رسیدن به این اهداف از ره‌گذر برنامه‌های شنیداری و دیداری مناسب می‌تواند در اجتماعی کردن اشخاص به ویژه کودکان و گرایش نیافتن آنان به سوی بزه‌کاری و بزه‌دیدگی نقش آفرین باشد (بیابانی، ۱۳۹۲: ۴۰). از جمله این برنامه‌ها که به آن بعد تاریخی نیز توجه ویژه شده، قصه‌گویی برای کودکان در رادیو و تلویزیون است. از اولین اشخاصی که در این زمینه به فعالیت پرداخته

۱. چنین موضوع و راه‌کاری حتی می‌تواند در حوزه عدالت ترمیمی استفاده شود. بسیاری از کشورها از داستان‌گویی و قصه به منظور ترمیم‌پذیری، شجاعت و بخشندگی استفاده می‌کنند. این داستان‌ها می‌تواند، ما را رو به جلو حرکت داده و پیش‌فرض‌هایمان را نسبت به جهان اطراف‌مان تغییر دهند. از این رو موقعی که داستان از دگرگونی شخصی در بزه‌دیده، بزه‌کار، سایر اشخاص شرکت‌کننده در برنامه را برای‌مان نمایان می‌سازد؛ ما چشم‌اندازی از جهان را که در آن امید، امکان تغییر دوباره برای انسان وجود دارد را می‌بینیم (3) (Justyna salvail; Ibid).

۲. بچه‌های آسمان فیلمی ایرانی به کارگردانی مجید مجیدی و محصول ۱۳۷۵ است. این فیلم مورد تحسین منتقدان و جامعه قرار گرفت و باعث شناخت جامعه غرب از مجیدی شد. برای اطلاعات بیشتر در این باره به «بچه‌های آسمان» ر.ک در: <https://fa.m.wikipedia.org/wiki>

3. <https://www.kanoonnews.ir>

فضل‌الله مهتدی صبحی (نویسنده کتاب مورد مطالعه) به شمار می‌رود. وی برای نخستین بار در سال ۱۳۱۹ چندی بعد از تأسیس رادیو تهران در ظهر یا عصر جمعه، به اجرای یک برنامه عادی و محبوب برای روایت داستانی بین کودکان و حتی بزرگسالان اقدام نمود.^۱ چنین روندی در سال ۱۳۴۵ با ایجاد نمایش‌نامه‌ای به نام شهر قصه توسط بیژن مفید پی گرفته شد. در این نمایش‌نامه، مفید از شخصیت‌های حیوانی مثل طوطی، خر، موش، فیل، خاله سوسکه، خرس رمال و روباه استفاده کرد.^۲ شهر قصه علاوه بر این که برای کودکان دارای فایده است، حتی به سال ۱۳۹۱ توسط برخی از زندانیان زندان اوین به صورت تئاتر به اجرا در آمده است.^۳

با وجود آن که پژوهش‌گران تأکیده‌های فراوانی بر کارکرد قصه در شکل‌گیری شخصیت کودکان دارند و حتی برخی از آنها نیز برای تربیت قصه‌گویان موفق در تلویزیون دست به انتشار یافته‌های خود در قالب کتاب نموده‌اند تا از این راه به شناخت بیشتر قصه‌گویی و ارائه راهبردهایی برای بهبود وضع قصه‌گویی رسانه‌ای انجام دهند (حنیف، ۱۳۸۹: ۲۵). اما با این حال در عمل به‌جز موارد انگشت‌نما و ابتکاری از این شیوه در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران استفاده نشده است. نمونه‌هایی از این شیوه‌ها را می‌توان به عروسک‌گردانی در برنامه کودک‌شو در شبکه نسیم اشاره کرد^۴ یا نمونه دیگر از این برنامه‌ها، برنامه‌ای به نام رادیو با طعم قصه است که در صدای خراسان رضوی برای علاقه‌مندان به شنیدن قصه در روزهای جمعه تدارک دیده شده است. در این برنامه آثار روایی اندیشه‌وران صاحب‌نام ایرانی و خراسانی که در زمینه ادبیات داستانی آثار فاخری به یادگار گذاشته‌اند، استفاده

۱. «فضل‌الله مهتدی صبحی»؛ ر.ک به:

<https://www.iranicaonline.org/articles/sobhi-fazl-allah-mohtadi>

۲. در این باره به: «عمر کوتاهی که خالق شهر قصه را خاموش کرد»؛ ر.ک به:

<https://www.ilna.news>

۳. در این باره به «شهر قصه در اوین: حکایت اجرای نمایش شهر قصه»؛ ر.ک به:

<https://fa.m.wikipedia.org/wiki>

۴. برای دیدن نمونه‌ای از برنامه کودک‌شو با شیوه عروسک‌گردانی؛ ر.ک به:

<http://tnews.ir/site/3ead117948495.html>

می‌شد،^۱ اما می‌توان مهم‌ترین اثری که به طور ویژه در این زمینه ایجاد گردید را برنامه «آقای حکایتی» دانست. این برنامه برای اولین بار در ۱۳۶۶ و برای بار دوم در ۱۳۷۴ ساخته شد. در این برنامه ابتدا یک قصه موضوعی بیان شده و وظیفه بعدی بر عهده بازیگران بوده که به نحوی موضوع را گسترش داده و مسأله‌ای که در داستان ایجاد شده بوده را به کمک آقای حکایتی حل کنند.^۲ با وجود چنین برنامه‌هایی که به طور موردی در صدا و سیمای بعد از انقلاب به نمایش گذاشته می‌شود، اندیشمندان این عرصه از نبود راه کارهای منظم در این زمینه انتقاد می‌کنند^۳ و حتی برخی اندیشمندان دیگر در «جشنواره ملی قصه گویی» قرآنی، پیشنهاد ایجاد تأسیس شبکه قصه گویی و قصه خوانی را به صدا و سیما داده‌اند.^۴ با وجود چنین پیشنهادی به نظر می‌رسد، شبکه پویا که برای کودکان و نوجوانان ایجاد شده راهگشا باشد اما متأسفانه در این شبکه از چنین راه کارهایی استفاده نشده و حتی بسیاری از برنامه‌های این شبکه مناسب کودکان و نوجوانان نیست و موجب ترویج خشونت و کیفرگرایی است.^۵

نتیجه

افسانه‌های ایرانی، سرچشمه کهن از میراث فرهنگی و ادبی غنی هستند که گذشته تاریخی مملو از شگفتی‌ها و زیبایی‌های خیال‌انگیز را برای آیندگان بازگو می‌کنند. افسانه‌ها قادرند تا گوشه‌های دل‌نشینی از آیین‌ها، باورها و اعتقادات را در بستر مناسبت‌های اجتماعی و ارزش‌های اخلاقی و رفتاری به کودکان انتقال دهند. بی‌شک قصه‌ها و افسانه‌های کهن در زمره میراث‌های شفاهی معتبر و کارآمدی قرار می‌گیرند که نقش‌ها و کارکردهای بسیاری در نظم‌دهی رفتار، هنجارسازی روابط اجتماعی، آموزش سنت‌ها، عقاید و باورهای پذیرفته

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص «رادیو با طعم قصه» ر.ک به: <http://mashhad.trib.ir>

۲. در این باره می‌توان «به بهانه زادروز آقای حکایتی؛ چرا تلویزیون قصه‌گویی برای کودکان را فراموش کرده است؟» ر.ک به: www.tasnimnews.com/fa/news/1399/09/25/2410819

۳. همان

۴. درباره «جشنواره ملی قصه‌گویی» ر.ک به: www.farsnews.ir/amp/13911117001590

۵. در این باره می‌توان به پخش انیمیشنی با محتوای اعدام در شبکه ویژه کودکان در تاریخ ۱۳۹۹/۹/۲۶ تحت عنوان «پهلوانان پوریای ولی» اشاره کرد.

شده معمول و تداوم بخشی به فرهنگ و ارزش‌های دینی و اخلاقی به نسل‌های آینده را خواهد داشت. کودکان به رخ‌دادهای گذشته علاقه‌مند هستند و داستان‌های به‌جامانده از گذشته چه سینه به سینه نقل شده یا مکتوب برجای مانده باشند، در آموزش کودکان بسیار مؤثرند.

افسانه‌ها باعث تقویت قوه تخیل کودک و تحریک خیال‌پروری او می‌شود. به علاوه عامل اجتماعی مؤثری در تربیت اجتماعی کودک است. کودکان بزه‌کار به وسیله قصه‌ها از یک سو می‌توانند ارزش‌های اصیل اجتماعی و اخلاقی را فرا گرفته و از سوی دیگر نحوه مدیریت نیازهای خود را آموزش ببینند. هم‌چنین قصه‌ها می‌تواند در کودکان در معرض بزه‌کاری موجب ارتقای تعهد اجتماعی و... گردد، که عاملی مؤثر برای جلوگیری از بزه‌کاری کودکان به حساب می‌آید. قصه‌ها در کودکان بزه‌دیده نیز دارای کاربردهای متعدد عملی و پیشگیرنده است. از یک سو قصه‌ها می‌توانند موجب آگاهی بخشی کودکان از سختی‌های بزه‌دیدگی گردند و از سوی دیگر قصه‌ها به آموزش مهارت‌های مؤثر همانند قدرت نه گفتن به منظور جلوگیری از بزه‌دیدگی بپردازند. بزه‌دیده‌نیازمند چنین آموزش‌های اخلاقی و اجتماعی به منظور بازگشت به جامعه و جامعه‌پذیری مناسب مجدد هستند و افسانه‌ها از راه روندی به نام قصه‌درمانی می‌توانند چنین کاری برای آن‌ها انجام دهند.

با وجود چنین قابلیت و ظرفیتی در وادی عمل صدا و سیما و آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین ارکان تربیتی کودکان در ایران با وجود گرایش‌هایی به سمت آموزش هنجارها از راه قصه هنوز فاصله بسیاری با نقطه مطلوب دارند. البته به نظر می‌رسد، سیاست جنایی اجرایی کشور ما در این عرصه با توجه به رویکردهای گاه متضاد باهم یک سیاست جنایی اجرایی سرگردان است^۱ بنابراین در این راستای می‌توان پیشنهاد کرد که با توجه به آن‌که بیشتر قصه‌های ایرانی توانایی آموزش‌های هنجارهای اجتماعی و توانایی حل مسأله را دارند، از این رو می‌تواند در عرصه بزه‌کاری و بزه‌دیدگی کودکان کاربرد داشته باشند و هم‌چنین استفاده از این رویکرد که یک رویکرد کودک‌مدار است موجب خواهد شد تا سیاست


۱. برای دیدن اطلاعات بیشتر در باب سیاست جنایی سرگردان رج. به: (نوربها، ۱۳۷۸؛ ۱۰۳ - ۱۲۶).

قصه‌های ایرانی از منظر پیشگیری در حوزه کودکان...؛ جعفری و مولایی | ۷۳ |


جنایی اجرایی نیز از حالت سرگردانی خارج شود و سیاست جنایی قوام‌یافته‌ای در عرصه
قصه درمانی گردد.



Amin Jafari

 <http://orcid.org/0000-0002-9086-7384>

Ali Molabeigi

 <http://orcid.org/0000-0001-5620-8319>

منابع

الف) فارسی

- ابراهیمی، شهرام (۱۴۰۰). جرم‌شناسی پیشگیری، میزان، چاپ پنجم. افتخاری حجت و همکاران (۱۳۹۴)؛ «وضعیت کتاب‌خانه‌های مدارس متوسطه در ایران»، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران^۱
- بارکر، دن (۱۳۹۵). راهنمای آزاداندیشی، گوهر اندیشه، چاپ چهارم. بیابانی، غلام‌حسین (۱۳۹۲). «نقش رسانه در پیشگیری از جرم»، فصلنامه وسایل ارتباط جمعی رسانه، دوره ۲۴، شماره ۳، شماره پیاپی ۹۲، صص ۳۳ - ۴۲.
- بهمنی، پارسا و برزگر، مجید (۱۳۹۶)؛ «اثربخشی قصه‌درمانی برای کاهش پرخاش‌گری و افزایش مهارت‌های اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی»، مجله روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، شماره ۳۰.
- حنیف، محمد (۱۳۸۹)؛ قصه‌گویی در رادیو و تلویزیون، چاپ دوم، نشر سروش. جندلی، منون (۱۴۰۱). درآمدی بر پیشگیری از بزهکاری (تعاریف، تاریخچه، رویکردها و دورنما)، ترجمه و تحقیق: شهرام ابراهیمی، نشر میزان، چاپ سوم.
- خدابخشی کولایی، آناهیتا و دیگران (۱۳۹۸)؛ «اثربخشی آموزش مهارت‌های مقابله با زورگویی از طریق قصه‌گویی برای کاهش قربانی شدن در دانش‌آموزان پسر ۷ - ۹ ساله»، خانواده و پژوهش، شماره ۴۲.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۸). درآمدی بر جرم‌شناسی، سمت، چاپ سوم.

رجبی‌پور، محمود (۱۳۹۱). پژوهشی در مبانی پیشگیری اجتماعی رشدمدار از بزه‌کاری اطفال و نوجوانان، میزان.

رستمی، هادی و مولایی، علی (۱۳۹۶)؛ «خوانش جرم‌شناسانه آثار سعدی (با تأکید بر گلستان و بوستان)»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۷۷.
رستمی، هادی و مولایی، علی (۱۳۹۹)، «تبیین بزه‌دیدگی کودکان در داستان مدیر مدرسه از منظر آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسانه»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۸۹.

روزنامه همشهری (۱۳۹۷)، دانش‌آموزان قصه گو، گزارش همشهری از دانش‌آموزانی که به جای حل پیک نوروزی قصه نوشتند، شماره روزنامه ۷۳۶۵.

شهابی‌زاده، فاطمه و خواجه‌ایمانیان، فاطمه (۱۳۹۷)؛ «اثربخشی قصه درمانی مبتنی بر رویکرد شناختی - رفتاری بر اضطراب دانش‌آموزان دختر دبستانی»، نشریه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، شماره ۷۱، بهار.

عباچی، مریم (۱۳۸۳). «پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی کودکان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۷.

فلاحی، وحیده و کریمی، پرویز (۱۳۹۵)؛ «اثربخشی قصه درمانی بر بهبود مهارت‌های ارتباطی و تعاملات اجتماعی کودکان مبتلا به اوتیسم»، مجله پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، تابستان، سال هفتم، شماره ۲.

قاینی، زهره و محمدی، محمد‌هادی (۱۳۹۷)؛ تاریخ ادبیات کودکان ایران، ادبیات کودکان در روزگار نو ۱۳۰۰ - ۱۳۴۰، جلد هفتم، چاپ ششم، تهران، انتشارات چیستا.

کلانتری، کیومرث و نصرالهی، ابوذر (۱۳۹۵)؛ ضرورت وجود یک سیاست جنایی افتراقی در قبال کودکان و نوجوانان بزه‌دیده، مجموعه مقالات: سیاست کیفری کودکان و نوجوانان بزه‌دیده و بزه‌کار، چاپ اول، تهران، میزان.

کوش، سلینا (۱۳۹۶)، اصول و مبانی تحلیل ادبی، برگردان: پاینده، حسین، چاپ اول، تهران، انتشارات مروارید.

گورمن، اسمیت و ام. ویولو، آلانا (۱۳۹۳). «رویکردهای رشدمدار در پیشگیری از بزه کاری دختران»، در کتاب: دانشنامه پیشگیری از جرم، میزان، چاپ اول.

محمدنسل، غلامرضا (۱۴۰۱). کلیات پیشگیری از جرم، میزان، چاپ چهارم.

مولاییگی، علی (۱۳۹۷)، خوانش جرم‌شناسانه از کودک در ادبیات داستانی معاصر ایران (با تأکید بر آثار علی اشرف درویشیان، غلامحسین ساعدی، صادق چوبک و احمد محمود)، پایان‌نامه، دانشگاه علامه طباطبایی.

مهتدی صبحی، فضل‌الله (۱۳۹۹)؛ افسانه‌های کهن ایرانی، گردآورنده: قاسم‌زاده، محمد، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات هیرمند.

میرحیدری، مریم (۱۳۹۶)؛ «افسانه‌های ایرانی و تأثیر روان‌درمانی آن بر کودکان (مطالعه موردی: چهل افسانه مشهور ایرانی)»، مطالعات ایران‌شناسی، تابستان، شماره ۵.

نوربها، رضا (۱۳۷۸)؛ سیاست جنایی سرگردان، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۵ و ۲۶.

نیازپور، امیرحسین (۱۴۰۰). پیشگیری از جرم، نشر دادگستر، چاپ اول.

وایت، راب و هینز، فیونا (۱۴۰۱). جرم و جرم‌شناسی، برگردان: علی سلیمی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ یازدهم.

ویلسون، جفری (در دست انتشار)؛ جرم‌شناسی و ادبیات «پیشگفتار»؛ بر کتاب: ادبیات و حقوق: مجموعه مقالاتی در حوزه جنبش ادبیات و حقوق و جرم‌شناسی ادبی، مترجمین: بهزاد رضوی‌فرد، علی مولاییگی و ریحانه زندی.

یاوندحسینی، علی اصغر و دیگران (۱۳۹۶)؛ «برایم قصه بگو» اصول قصه درمان‌گری کودکان و نوجوانان، چاپ اول، همدان، انتشارات مصفای الوند.

ب) انگلیسی

Abachi, Maryam (2004). "Prevention of delinquency and victimization of children", Judiciary Legal Journal, No. 47. [In Persian]

Alshiban, Afra Saleh (2013); Exploring Criminology in Literary Texts: Robert Browning- an Example, Jordan Journal of Modern Languages and Literature Vol. 5, No. 1.

- Arntfield, Michael (2016); Conclusion: Toward a literary Criminology, In book: Gothic Forensics, First online: 28 June 2016: pp 223 – 226.
- Baglivio, Michael T; Wolff, Kevin T; Delisi, Matt; Jackowski, Katherine (2020); The role of adverse Childhood experiences (ACEs) and psychopathic features on juvenile offending criminal careers to age 18, Youth Violence and Juvenile Justice; Volume 18, Issue 4, in:
<https://journals.sagepub.com/doi/full/10.1177/1541204020927075>.
- Barker, Dan (2016). Guide to Free Thinking, Gohar Andisheh publication, 4th edition. [In Persian]
- Biyabani, Gholamhossein (2013). "The Role of Media in Crime Prevention", Journal of Mass Communication Media, Volume 24, Issue Number 92, pp. 33-42. [In Persian]
- Bahmani, Parsa and Barzegar, Majid (2017); "The Effectiveness of
Baglivio, Michael T; Wolff, Kevin T. (2020); Positive Childhood experiences (PCE): Cumulative Resiliency in the Face of Adverse Childhood experiences; in:
<https://journals.sagepub.com/doi/pdf/10.1177/1541204020972487>.
- Colvin, Sarah (2015); Why should criminology care about literary fiction? Literature, life narratives and telling untellable stories, Punishment & Society, Vol. 17(2) 211–229
- Ebrahimi, Shahram (2021). Preventive criminology, Publication of Mizan, 5th edition. [In Persian]
- Eftekhari, Hojat and colleagues (2015); "The situation of high school libraries in Iran", Second National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies, Tehran. [In Persian]
- Falahi, Vahideh and Karimi, Parviz (2015); "Effectiveness of story therapy on improving communication skills and social interactions of children with autism", Journal of Applied Psychological Research, Summer, Year 7, Number 2. [In Persian]
- Gorman, Smith and Violu, Alana (2014). "Developmental Approaches in Preventing Girls' Delinquency", in the book: Encyclopedia of Crime Prevention, Mizan, First Edition. [In Persian]

- Hamshahri Newspaper (2018), "Storytelling students, Hamshahri report on students who wrote stories instead of solving Norooz puzzles", Newspaper Issue 7365. [In Persian]
- Hanif, Mohammad (2010); Storytelling on Radio and Television, 2nd edition, Soroush Publishing. [In Persian]
- Hursh, John (2013), A Historical Reassessment of the Law and Literature Movement in the United States, GRAAT On-Line issue #14, June.
- Jandali, Manoon (2022). An Introduction to Crime Prevention (Definitions, History, Approaches, and Perspectives), translated and researched by Shahram Ebrahimi, Mizan Publishing, 3rd edition. [In Persian]
- Justyna salvail, Dorota (2015); We can't just tell the good stories ": Reflections on Experiences of storytelling and Restorative Justice; In the school of criminology faculty of Arts and social sciences; SIMON FRASER UNIVERSITY.
- Kalantari, Kyomarth and Nasrollahi, Abozar (2015); Necessity of having a differential criminal policy towards victimized children and teenagers, collection of articles: criminal policy of victimized and delinquent children and teenagers, first edition, Tehran, Mizan. [In Persian]
- Khodabakhshi Koolayi, Anahita et al. (2019); "The effectiveness of teaching coping skills through storytelling in reducing victimization in 7-9 year old boys", Family and Research magazine, Issue 42. [In Persian]
- Kush, Selina (2017), Principles and Foundations of Literary Analysis, Translated by: Payandeh, Hossein, First Edition, Tehran, Marvarid Publications. [In Persian]
- Molabeigi, Ali (2018), "Crime Analysis Reading of Children in Contemporary Iranian Fiction Literature (with emphasis on the works of Ali Ashraf Darvishian, Gholamhossein Saeedi, Sadegh Choubak, and Ahmad Mahmoud)", Thesis, Allameh Tabataba'i University. [In Persian]
- Mohtadi Sobhi, Fazlollah (2020); Ancient Iranian Myths, Compiled by: Qasemzadeh, Mohammad, 12th Edition, Tehran, Hirmand Publications. [In Persian]
- Mirheydari, Maryam (2017); "Iranian Myths and Their Psychological Impact on Children (Case Study: Forty Famous Iranian Myths)", Iranian Studies Journal, summer, Issue 5. [In Persian]

- Norbaha, Reza (1999); "Wandering Criminal Policy", *Legal Research Journal, Shahid Beheshti University*, No. 25 and 26. [In Persian]
- Niazpour, Amirhossein (2021). *Crime Prevention*, Dadgostar Publishing, First Edition. [In Persian]
- Rayejian Asli, Mehrdad (2019). *An Introduction to Criminology*, Samt Publication, 3rd edition. [In Persian]
- Rajabipoor, Mahmood (2012). *A Research on the Developmental Foundations of Growth oriented Prevention from Juvenile Delinquency*, Mizan Publishing. [In Persian]
- Rostami, Hadi and Molabeigi, Ali (2017); "A Criminological Reading of Saadi's Works (with an emphasis on Golestan and Bostan)", *Legal Research Quarterly, Shahid Beheshti University*, Issue 77. [In Persian]
- Rostami, Hadi and Molabeigi, Ali (2019), "Explaining children's victimization in the school principal's story from the perspective of victimization theories", *Legal Research Quarterly, Shahid Beheshti University*, No. 89. [In Persian]
- Shahabizadeh, Fatemeh and Khajeh Imanian, Fatemeh (2017); "Effectiveness of story therapy based on cognitive-behavioral approach on the anxiety of female primary school students", *Journal of Knowledge and Research in Applied Psychology*, No. 71, Spring. [In Persian]
- Shaw, Julia J. A (2014); *Introduction to the Special Issue on Law and Literature, Liverpool Law Rev* (2014) 35:1–6.
- Skop, Martin (2015), *Law and Literature – a meaningful connection,, Filozofia Publiczna i Edukacja Demokratyczna Tom IV • 2015 • Numer 1 • s. 6-20 • DOI: 10.14746/fped.2015.4.1.1.*
- Storytelling in reducing aggression and increasing social skills in preschool children", *Journal of Psychological Methods and Models*, Issue 30. [In Persian]
- Thompson, Nicole (2012) *Literature's Influence on the Law and Legal Actars*, A dissertation submitted in partial fulfilment of the degree of Bachelor of Laws (with Honours) at the University of Otago, In: <http://www.otago.ac.nz/> 2012.
- Qaini, Zohreh and Mohammadi, Mohammad Hadi (2017); *History of Iranian children's literature, children's literature in the new era 1300-1340, seventh volume, sixth edition*, Tehran, Chista Publications. [In Persian]

- Perrow; Susan (2008); *Healing Stories for Challenging Behaviour*, Hawthorn Press, Stroud.
- Perrow; Susan (2012); *Therapeutic Storytelling. 101 Healing Stories for Children* (Hawthorn Press, Stroud.
- Mohammadnasl, Gholamreza (2022). *Generalities of Crime Prevention*, Mizan, Fourth Edition. [In Persian]
- White, Rob and Haines, Fiona (2022). *Crime and criminology*, translated by: Ali Salimi, Hoza and University Research Institute, 11th edition. [In Persian]
- Weisberg, Robert (2013), *The law – literature enterprise*, Volume 1, Issue 1, *Yale Journal of law the Humanities*, Article 4.
- Wilson, Jeffrey (forthcoming); *Criminology and literature "Foreword"*; On the book: *Literature and law: a collection of articles in the field of literature and law movement, and literary criminology*, translators: Behzad Razavi fard, Ali Molabeigi and Rihaneh Zandi, Khorsandi publication. [In Persian]
- Wilson, Jeffrey (2014); *Shakespeare and criminology*, *Crime Media Culture* 2014, Vol. 10(2) 97–114.
- Yavandhassani, Ali Asghar and others (2016); *Tell me a story, "Principles of Story Therapy for Children and Adolescents"*, first edition, Hamadan, Masfa Elvand Publications. [In Persian]

پ) فرانسه

- François OST (2015), *Droit et littérature : variété d'un champ, fécondité d'une approche*, In: *RJTUM*, Volume 49, Issue 3.
- Frigon, Sylvie (2015); *Rencontres littéraires en prison ou comment voyager de l'ombre à la lumière*, *Justice et santé mentale* Volume 48, Number 1, Spring.

ت. تارنما

سایت اقتصاد آنلاین (۱۳۹۷)؛ «آمار نوجوانان بزهکار افزایش می یابد؟»:

<https://www.eghtesadonline.com>

صفارهرندی، محمدحسین (۱۳۸۷)؛ مراسم روز بزرگداشت کتاب و دانش آموز:

<http://www.ibna.ir/fa/doc/report/29168>

«فضل الله مهتدی صبحی»؛ رج به:

<https://www.iranicaonline.org/articles/sobhi-fazl-allah-mohtadi>

قصه‌های ایرانی از منظر پیشگیری در حوزه کودکان...؛ جعفری و مولایی | ۸۱

برای دیدن نمونه‌ای از برنامه کودک شو با شیوه عروسک گردانی؛ رج به:

<http://tnews.ir/site/3ead117948495.html>

«رادیو با طعم قصه»؛ در:

<http://mashhad.irib.ir>

«به بهانه زادروز آقای حکایتی؛ چرا تلویزیون قصه گویی برای کودکان را فراموش کرده

است؟»؛ در:

www.tasnimnews.com/fa/news/1399/09/25/2410819.

جشنواره ملی قصه گویی، در:

www.farsnews.ir/amp/13911117001590.

انیمیشن پهلوانان پوریای ولی، قسمت عیار سیاه پوش، تاریخ پخش ۲۶ / ۹ / ۱۳۹۹، قابل

دسترس در:

<https://www.telewebion.com/episode/1635174>.

اطلاعاتی درباره فیلم بچه‌های آسمان، قابل دسترس در:

<https://fa.m.wikipedia.org/wiki>

اطلاعاتی درباره «عمر کوتاهی که خالق شهر قصه را خاموش کرد»، در:

<https://www.ilna.news>

اطلاعاتی درباره «شهر قصه در اوین: حکایت اجرای نمایش شهر قصه»، در:

<https://fa.m.wikipedia.org/wiki>

اطلاعاتی درباره کانون فکری کودکان و نوجوانان، در:

<https://www.kanoonnews.ir>.

استناد به این مقاله: جعفری، امین و مولایی، علی. (۱۴۰۲). قصه‌های ایرانی از منظر پیشگیری در حوزه

کودکان؛ از ظرفیت نظری تا استفاده عملی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۱(۴۲)، ۴۵-۸۱. doi:

10.22054/jclr.2023.61650.2351



Criminal Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.